

گسترش قدرت نظامی اسرائیل

در شرایط فعلی اسرائیل حتی بدون کمک آمریکا در يك جنگ کامل علیه کشورهای عرب پیروز خواهد شد

یکی از عوامل عمده و اساسی در دیپلماسی امروز خاورمیانه برتری نظامی اسرائیل بر کشورهای عرب میباشد. تهاجم اسرائیل در مارس ۱۹۷۸ به لبنان اشغال قسمت عمده جنوب آن کشور تا رودخانه لیتانی و ناتوانی و عدم اشتیاق کشورهای عرب برای اجرای هرگونه عملیات انتقامی نظامی بر علیه اسرائیل نمونه روشنی از فقدان قدرت نظامی بازدارنده اعراب در رویارویی با حملات اسرائیل در اشغال سرزمینهای اعراب بشمار می‌آید اکثر متخصصین مسائل دفاعی و نظامی در غرب معتقدند که اسرائیل قابلیت شروع جنگ تازه‌ای بر علیه کشور-های عرب برای نابود کردن نیروهای مسلح‌شان را داشته و نیز جنگ‌افزار، مهمات و ذخائر سوخت برای شروع و ختم آن را بدون تدارک مجدد و کمک گسترده از ایالات متحده در اختیار دارد. این خودکفائی اسرائیل در يك جنگ محدود، رهبران اسرائیل را در برابر فشار ایالات متحده سرسخت‌تر کرده است. طبق برآورد وزارت دفاع آمریکا، اسرائیل می‌تواند هرگونه ترکیبی از نیروهای اعراب را از زمان حال تا سال ۱۹۸۲ در يك مقابله غیرهسته‌ای شکست دهد. بازه‌ای از متخصصین نظامی از این چهارچوب فراتر رفته و برآورد نموده‌اند که اسرائیل می‌تواند قدرت نظامی مصر و سوریه را در طی ۱۰ تا ۱۴ روز خرد کرده و این قابلیت راحتی بدون خرید تجهیزات بیشتری از آمریکا تا سال ۱۹۸۴ برای خود حفظ خواهد کرد. با وجود این، آنچنانکه جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، اسرائیل با دریافت تجهیزات نظامی پیشرفته آمریکائی در دهه ۸۰ قدرت نظامی خود را بیش از پیش افزایش خواهد داد.

اسرائیلی‌ها در گذشته بدلیل برتری کمی قدرت نظامی اعراب، گسترش و توسعه قدرت نظامی و جنگ‌افزارهای خود را توجیه می‌کردند. لیکن آنچه غالباً فراموش میشود عبارت از برتری فاحش اسرائیلی‌ها از حیث کیفیت نیروی انسانی، رهبری و سلاحهای پیشرفته است. حتی این برتری کمی اعراب نیز از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل بسرعت به نفع اسرائیل دگرگون گشته است. مطابق نظر وزیر دفاع سابق اسرائیل شیمون پرز، نیروهای نظامی

اسرائیل هم اکنون ۵۰ درصد هواپیما، ۵۰ درصد تانک، ۵۵ درصد کشتی و صد درصد فتربرزهی بیش از مقادیری که تا جنگ ۱۹۷۳ داشتند در اختیار دارند. بهره‌مند شدن از سلاحهای جدید از زمان وقوع جنگ اخیر به اسرائیل این اجازه را داد که اکثر کمبودهای قبلی در جنگ‌افزارهای مختلف را جبران نماید. اسرائیل مقدار زیادی توپخانه و موشکهای ضد تانک، شبکه دفاع هوایی بسیار پیشرفته با پایگاه زمینی، سلاحهای بازدارنده ویژه دفاع هوایی و ضد تانک که همگی جهت حفظ کارائی نیروی هوائی آن ضروری است تحصیل مینماید. اسرائیل علاوه بر مطالب فوق سهم بودجه نظامی خود را در تولید ناخالص

جدول شماره ۱

موجودی و سفارشات اسرائیل برای جنگ‌افزارهای پیشرفته آمریکائی

مقادیر اضافی در طی ۱۹۷۷-۸۰	مقادیر اضافی در طی ۱۹۷۶	انواع تسلیحات
۱۹۸۶-۱۹۸۹ <td>۱۹۷۶ <td>الف - سلاحهای زرهی</td> </td>	۱۹۷۶ <td>الف - سلاحهای زرهی</td>	الف - سلاحهای زرهی
۹۰۰	۵۴۰	۱- تانکهای متوسط (ام-۶۰ و ایکسامیک)
۳۰۰	۳۰۰	۲- موشکهای ضد تانک
۲۲۵	۱۱۰	۳- خمپاره‌انداز - هویتزر (ام-۱۰۹، ۱۵۵ و ۱۷۵ میلیمتری)
۲۸۰۰	۵۰۰	۴- نفربر زرهی (ام-۱۱۳ آیک)
-	۲۵	ب - هواپیما
-	۲۰۰	۱- اف-۴ (فانتوم)
-	۱۵	۲- اف-۴ (اسکای‌مک)
۲۰۰	-	۳- اف-۱۵ (ایگل)
۱۵۰	۲۰	۴- اف-۱۶
۲۵	۷۵	۵- هلیکوپتر
-	-	۶- هواپیمای حمل و نقل
-	-	ج - موشک
۳۰	۱۵	۱- یکانهای موشکهای زمین به هوا
۴گردان، هریک	-	۲- گردانهای موشکهای زمین به زمین
۴۰۰ فرزند موشک	۴۰۰ فرزند موشک	د - کشتی و ناو
۵	۶	۱- کشتیهای کشتی مسلح به موشک
-	۲	۲- سایر کشتیها

ماخذ: آنتونی گوردسمان، «چه میزانی بیش از حد نیاز است؟»، آرمد فورسز جورنال،

جدول شماره ۲

برآورد هدفهای اسرائیل جهت تحصیل جنگ-افزار

۱۹۸۶ برآورد	۱۹۸۰ برآورد	۱۹۷۶	واحدهای نیروهای مسلح
۲۲	۱۰	۹	تیپهای مکانیزه
۱۳	۱۱	۸	لشکرهای زرهی
۵۰۰۰	۲۳۰۰	۲۲۰۰	تانک
۱۱۰۰۰	۹۲۰۰	۳۳۰۰	نفربر زرهی
۹۰۰	۵۰۰	۱۰۰	موشکهای ضد تانک
۶	۴	-	گردانهای موشکهای زمین به زمین
۵۰	۴۰	۳۰	گردانهای توپخانه
۷۵۰	۶۵۰	۵۵۰	هوابیماهای جنگی جت
۸۰	۳۰	-	هلیکوپترهای آفندی
۵۰	۳۰	۱۵	یکانهای موشکهای زمین به هوا
۳۰	۲۴	۱۸	قایقهای گشتی موشکدار

ماخذ: آنتونی کوردسمان، «چه میزانی بیش از حد نیاز است؟»، آرمد فوئزس جودتال.

ملی افزایش داده است. هزینههای دفاعی که در سالهای ۶۷-۱۹۵۶ حدود ۸ تا ۱۳ درصد تولید ناخالص ملی بود در طی سالهای ۷۳-۱۹۶۷ به ۳۰ درصد بالغ گردید. در حال حاضر اسرائیل تا ۴۵ درصد تولید ناخالص ملی خود را جهت امور دفاعی و نظامی اختصاص داده است و از اینرو درصد کل بودجه نظامی اش از دشمنان عرب آن به مراتب بیشتر است. جدول شماره ۲ نشان دهنده موقعیت دفاعی اسرائیل تا اواسط دهه ۸۰ است.

با نگاهی به برنامه اسرائیل جهت تحصیل تانک که تا سال ۱۹۸۰ بالغ بر ۳۳۰۰ دستگاه خواهد شد و از تعداد تانکهای ایالات متحده در اروپا در چهارچوب ناتو بیشتر میگردد و بآسه برابر کردن تعداد نفربرهای زرهی از سطح ۳۳۰۰ دستگاه در ۱۹۷۶ به ۹۲۰۰ دستگاه در سال ۱۹۸۰ آنچنانکه در جدول شماره ۲ منعکس است سیاست تسلیحاتی اسرائیل آشکار میشود.

در حالیکه اسرائیلیها قابلیت نظامی خویش را به میزان وسیعی افزایش داده و برنامه هائی برای گسترش جنگ-افزارهای خود دارند، اعراب صرفا بهبود جزئی در سلاحهای خود داده و از کمبود تجهیزات در مضیقه اند. متخصصین نظامی برآورد کرده اند که اسرائیل هم اکنون ۱۶۰ درصد قابلیت نظامی ۱۹۷۳، سوریه در بهترین شرایط صددرصد قابلیت نظامی ۱۹۷۳ و مصر متعاقب قطع کامل کمکهای نظامی شوروی حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد قابلیت نظامی ۱۹۷۳ را تحصیل نموده اند. اسرائیل حتی نسبت به کشورهای عربی کمکهای نظامی

بیشتری تحصیل نموده است. برای مثال در طی سالهای ۷۵-۱۹۷۳ کمکهای نظامی ایالات متحده به اسرائیل بالغ بر ۲۵۳۳ میلیون دلار شد، که از مبلغ اخیر ۱۵۵۰ میلیون دلار بصورت پرداخت بلاعوض و صرفاً ۹۸۳ میلیون دلار بصورت وام بوده است. در طی دوره اخیر کمکهای نظامی شوروی به سوریه و مصر بالغ بر ۱۷۵۰ میلیون دلار گردید که ۱۳۵۰ میلیون دلار آن به صورت وام و صرفاً ۴۰۰ میلیون دلار آن بصورت پرداخت بلاعوض بود. آنچنانکه ارقام اخیر نشان میدهند، کمک نظامی آمریکا به اسرائیل پس از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ بیشتر از کمک شوروی به کشورهای مصر و سوریه بوده و ضمناً قسمت اعظم کمکهای آمریکا بصورت پرداخت بلاعوض بوده است. بعلاوه گرچه سوریه نسبت به سال ۱۹۷۳ مقادیر بیشتری از سلاحهای پیشرفته دریافت داشته است معیناً اتحاد جماهیر شوروی علاقه چندانی نسبت به رفع کلیه نیازهای دفاعی سوریه نشان نداده است. همچنین، حدود یک سوم ارتش سوریه به عنوان بخشی از نیروی پاسدار صلح عرب در لبنان درگیر است که در صورت بروز جنگ قادر به اجرای فعالیت وسیعی نخواهد بود.

در مورد مصر، اکثر تجهیزات نظامی این کشور، بخصوص هواپیماهای جنگی، بعد از قطع کمکهای تسلیحاتی و وسایل یدکی اتحاد شوروی تقریباً بلااستفاده مانده است. با وجود اینکه جمهوری خلق چین مقداری وسایل یدکی برای سلاحهای روسی مصر فراهم نموده است و همچنین چند شرکت غربی نظیر لاکهید، رولز رویس و جنرال الکتریک سعی در جهت فراهم نمودن موتورهای جدید برای جنگندههای میگ مصر نموده اند، تلاشهای خارجی در این مورد بطور کلی موفقیت آمیز نبوده اند.

در مورد کشور اردن، به احتمال زیاد همانطور که در سال ۱۹۷۳ عمل کرد، کشور اخیر به منظور جلوگیری از وارد شدن لطامات سنگین به نیروهایش توسط ارتش اسرائیل خود را از درگیر شدن در یک جنگ جدید بین اعراب و اسرائیل کنار نگه میدارد. علاوه بر مصر، سوریه و اردن، سازمان آزادی بخش فلسطین نیز عنصر دیگری است که مستقیماً در معادله نظامی اعراب و اسرائیل بحساب می آید. لیکن نیروهای این سازمان همانگونه که با اشغال سریع جنوب لبنان در مارس ۱۹۷۸ توسط اسرائیل روشن شد دارای سلاحهای معدودی میباشدند و آنگونه مسلح نیستند که بتوانند نقش مهمی را در برابر اسرائیل در یک جنگ غیرچریکی و نسبتاً کوتاه مدت بازی نمایند.

فراسوی کشورهای مصر، سوریه، اردن و سازمان آزادی بخش فلسطین که خود در زمینه مذاکره و یا برنامه ریزی نظامی متحد نیستند اختلافات مهمتری قرار دارند. عراق و سوریه و نیز مصر ولیبی دچار اختلاف بوده و با یکدیگر در حال رقابت هستند. وحدت جدی اعراب برای برنامه ریزی مشترک نظامی و اقدام به عمل جهت دور جدیدی از مبارزه با اسرائیل اکنون محتمل نیست.

هرچند پول نفت اعراب و در درجه نخست عربستان سعودی کمک موثر به تامین مالی هزینه‌های ناشی از تهیه وسایل و تدارکات نظامی بوده است و قابلیت‌های نظامی داخلی را تا اندازه‌ای افزون ساخته است، و از قرائن حاکی است که گرایش‌هایی در جهت بهبود قابلیت‌های نظامی بوجود آمده است، معبداً وضع عمومی نظامی اسرائیل در مقابل اعراب تا آینده قابل پیش‌بینی بهتر خواهد بود. عامل دیگر در معادله سلاح‌های اعراب و اسرائیل تمایل اسرائیل به خودکفائی است. امروزه بیش از ۳۰ درصد سلاح‌های اسرائیل در خود این کشور تولید میشود و اسرائیل در تولید سلاح‌های کوچک تقریباً خودکفا میباشد. در بین تولیدات نظامی مهم اسرائیل می‌توان از موشک‌های هوا به هوای شفریر و لاز و قایم‌های موشک‌دار سار، موشک‌های دریائی گابریل و هواپیماهای جنگی کفیر نام برد. کفیر هواپیمائی است که دارای موتور ساخت کمپانی جنرال الکتریک بوده و ۴۰ درصد قسمت‌های آن از ایالات متحده وارد میشود. علاوه بر بسیاری از متخصصین نظامی در این امر توافق دارند که اسرائیل هم اکنون بمب اتمی دارد، سلاحی که هیچیک از کشورهای عرب نداشته و قابلیت تولید آنرا در آینده نزدیک نخواهند داشت. تنها اقدام عمده اعراب در مقابل کوشش‌های اسرائیل جهت خودکفایی در صنایع نظامی، ایجاد سازمان صنایع نظامی اعراب است. این سازمان که در سال ۱۹۷۵ با مشارکت عربستان سعودی، مصر، قطر و امارات متحده عرب تاسیس شد چهار مسائل اجرائی عمده‌ای بوده است و به ویژه مسائل فنی و تنوع چشم‌اندازها و نیازهای دفاعی هر یک از کشورهای شرکت‌کننده پیشرفت این سازمان را بسیار کند نموده بنحوی که بسیج‌وجه با صنایع دفاعی اسرائیل برابری نمیکند.

اسرائیل، همانگونه که قبلاً ذکر گردید، علاوه بر برتری عمده نظامی بر اعراب از ۱۹۷۳ تاکنون، به خودکفائی نسبی در برابر آمریکا نیز در هنگام بروز یک جنگ احتمالی دست یافته است. مطابق با نظر متخصصین نظامی غرب، اسرائیل هم‌اکنون حداقل مهمات لازم برای یکماه جنگ را بدون نیاز به کمک بیشتر از آمریکا در اختیار داشته و هر محموله جنگ‌افزار جدیدی که تحویل میگردد موجب میشود تل‌آویو از وابستگی بیشتر به راشنگتن آسودگی بیشتری بیابد.

مطلب اخیر موجب کاهش قدرت ایالات متحده در جهت کنترل سیاست‌های نظامی اسرائیل شده است. بعبارت دیگر، ذخائر یک‌ماهه اسرائیل به آن اجازه میدهد که ارتش‌های عرب را نابود کند بدون آنکه ایالات متحده قادر باشد بنحوی که دولت نیکسون در سال ۱۹۷۳ انجام داد از طریق مضایقه از ارسال جنگ‌افزار موجبات اعمال آتش‌بس را فراهم نماید. قابلیت‌های نظامی اسرائیل و خودکفائی آن در یک منازعه بالقوه این تصور را ایجاد کرده است که رهبری اسرائیل هرگاه در شرایط بحرانی و مواقعی که گرایش‌های موجود را در جهت

تضعیف تعادل نظامی کنونی که فعلا بنفع اسرائیل است بیابد اقدام به جنگ جدیدی مینماید. در حقیقت امر رهبران اسرائیل جای شك باقی نگذاشته‌اند که در جنگ بعدی با قدرت کامل عمل خواهند کرد. رهبران اسرائیل در مذاکرات اخیر با رهبران آمریکا اشاره کرده‌اند که در صورت بروز جنگ جدیدی بین اعراب و اسرائیل، استراتژی اسرائیل آن خواهد بود که ارتشهای مصر و سوریه را بسرعت و بطور کامل بنحوی نابود کند که اعراب قادر به اجرای يك تهدید جدی برای اسرائیل تا ده سال پس از آن نباشند.

مسئله مطروحه در این مقطع زمانی عبارت از این خواهد بود که تا چه زمانی ایالات متحده می‌تواند سیاستهای نظامی اسرائیل و تیز خودداری آنکشور از تخلیه سرزمینهای اشغالی اعراب را تحمل کند. بهر حال بنحوظ می‌توان گفت که سیاست انعطاف‌ناپذیر و سخت اسرائیل و عملیات نظامی آن به چشم‌انداز يك صلح عادلانه در منطقه لطمه زده و منافع روزافزون ایالات متحده در خاور میانه را تهدید میکند.

نفوذ اسرائیل در آمریکا

سیاست انعطاف‌ناپذیر اسرائیل در برابر ابتکار صلح اخیر سادات و تجاوز وسیع نیروهای اسرائیل به خاک لبنان که در جریان آن از بمب‌های مخوف «خوشه‌ای» استفاده شد افکار عمومی مردم آمریکا را علیه اسرائیل برانگیخته و برای اولین بار صداهای مخالف سیاست اسرائیل در مطبوعات و کنگره آمریکا بگوش می‌رسد. بدنبال این وقایع روابط آمریکا و اسرائیل هم بسودی گرانیده و اختلافات آمریکا و اسرائیل تقریبا علنی شده است. با وجود این اسرائیلی‌ها کمترین نگرانی از صداهای مخالفی که در آمریکا شنیده میشود بخود راه نمیدهند، زیرا حکومت اسرائیل از پشتیبانی اکثریت مطلق کنگره آمریکا از سیاست خود اطمینان دارد و باوجود چنین اکثریتی در کنگره، کارتر قادر به اعمال يك سیاست جدید علیه اسرائیل نخواهد شد.

تعداد کل جمعیت یهودیان آمریکا بموجب آخرین آمار قریب شش میلیون نفر، یعنی در حدود دو برابر جمعیت اسرائیل است، که در مقایسه با جمعیت کمتر از سه درصد جمعیت آنکشور را تشکیل میدهند، باوجود این جامعه یهودی آمریکا بسیاری از بانکها و موسسات اقتصادی و شرکتهای بزرگ صنعتی و وسائل ارتباط جمعی آمریکا (اعم از رادیو - تلویزیون و مطبوعات) را در اختیار دارد و بطور مستقیم یا غیرمستقیم در موفقیت یا عدم موفقیت اکثریت اعضای کنگره آمریکا موثر است، به همین دلیل در حالیکه فقط پنج سناتور از یکصد سناتور آمریکائی یهودی هستند، بیش از هفتاد سناتور آمریکائی در صف طرفداران اسرائیل قرار گرفته‌اند.